

پرسش ۱۸۲: چرا سگ با این که باوفاترین حیوانات است در عین حال نجس‌ترین آن‌ها هم می‌باشد؟

سؤال / ۱۸۲: لماذا الكلب أنجس وأوفى حيوان في نفس الوقت بينما النجاسة لا تلائم الوفاء؟

چرا سگ با این که باوفاترین حیوانات است در عین حال نجس‌ترین آن‌ها هم می‌باشد، و حال آن که نجاست با وفاداری سازگاری و تناسبی ندارد؟!

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين
لما خلق الله آدم (عليه السلام) وضعه في باب الجنة أربعين سنة تطأه الملائكة قبل أن ينفخ فيه الروح ([856])، ليكون ذليلاً في نفسه، فلما مرَّ عليه إبليس (لعنه الله) وكان مع الملائكة بصق عليه، فوقع بصاق إبليس (لعنه الله) على بطن آدم (عليه السلام)، فأمر الله الملائكة برفع الطينة التي وقعت عليها بصقة إبليس (لعنه الله) فأصبح موضعها شبيه بالحفرة وهو السرة، والموجودة الآن في بطن الإنسان. وخلق الله من تلك الطينة ([857]) التي عليها بصاق إبليس (لعنه الله) الكلب.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

وقتی خداوند حضرت آدم (علیه السلام) را آفرید، پیش از آن که روح در او بدمد، او را چهل سال بر دروازه‌ی بهشت قرار داد و فرشتگان او را لگدکوب می‌کردند تا در نفس خود خوار و ذلیل باشد. ([858]) هنگامی که ابلیس (لعنه الله) همراه با فرشتگان بر او گذر کرد بر او آب دهان انداخت و آب دهان ابلیس (لعنه الله) بر شکم آدم (علیه السلام) افتاد. خداوند به

فرشتگان امر کرد آن گلی را که آب دهان ابلیس (لعنه الله) بر آن افتاده بود بردارند، و جایی حفره مانند ایجاد شد که ناف است و اکنون در شکم انسان موجود می‌باشد. خداوند از آن گل که آب دهان ابلیس (لعنه الله) بر آن بود، سگ را بیافرید. ([859])

فالكلب مخلوق من طينة نبي وهو آدم (عليه السلام)، ومن بصاق إبليس (لعنه الله)، ولذا فهو أنجس حيوان ؛ لأنه خلق من بصاق إبليس (لعنه الله)، وأوفى حيوان؛ لأنه خلق من طينة نبي. فاجتمع في الكلب وفاء الأنبياء، ونجاسة الشيطان إبليس (لعنه الله)، فسبحان المؤلف بين النور والديجور، هذا بالنسبة لنفس الكلب. أما جسده الجسماني فقد خلق أيضاً من بزاق إبليس (لعنه الله)، ومن الطين بعد نزول آدم إلى هذه الأرض ([860]).

أحمد الحسن

۱۳ رجب ۱۴۲۶ هـ.ق

بنابراین سگ از گل پیامبر یعنی حضرت آدم (عليه السلام) و از آب دهان ابلیس (لعنه الله) خلق شده است؛ بنابراین او نجس‌ترین حیوان است؛ چرا که از آب دهان ابلیس (لعنه الله) آفریده شده و باوفاترین حیوان است؛ چراکه از گل پیامبر آفریده شده است. از این رو در سگ، وفای انبیا و نجاست ابلیس شیطان (لعنه الله) جمع شده است. پاک و منزّه است آن خدای سبحان که نور و تاریکی را به هم پیوند داد؛ این در خصوص بُعد نفسانی سگ می‌باشد. اما جسد جسمانی آن نیز از بزاق ابلیس (لعنه الله) خلق شد و همچنین از گل، پس از فرود آمدن آدم به این زمین. ([861])

أحمد الحسن

وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (عليه السلام)

۱۳ رجب ۱۴۲۶ هـ.ق. ([862])

[856]- قال أبو جعفر: (وجدناه هذا في كتاب أمير المؤمنين (عليه السلام)، فخلق الله آدم فبقي أربعين سنة مصوراً فكان يمر به إبليس اللعين فيقول لأمر ما خلقت، فقال العالم (عليه السلام): فقال إبليس لئن امرني الله بالسجود لهذا لأعصيته، قال: ثم نفخ فيه . .) تفسير القمي: ج 1 ص 41.

[857]- وهذه الطينة هي المرفوعة التي ذكرها السيد أحمد الحسن (عليه السلام) في المتشابهات حيث قال: (إن آدم (عليه السلام) خلق من طين، أي من هذه الأرض، ولكنه لم يبق على هذه الأرض فقط، وإنما رفع إلى أقصى السماء الدنيا، أي السماء الأولى، أو قل إلى باب السماء الثانية وهذا الرفع لطينة آدم يلزم إشراق طينته (عليه السلام) بنور ربها ولطافتها) المتشابهات: ج 1 / إجابة سؤال رقم (3)، حول نبي الله آدم (عليه السلام).

[858]- أبو جعفر (عليه السلام) می فرماید: «در کتاب امیر المؤمنین (علیه السلام) این گونه یافتیم؛ خداوند آدم را خلق کرد و چهل سال تصویر شده باقی ماند. ابلیس لعین بر او عبور می کرد و می گفت: تو برای چه خلق شدی؟ عالم (علیه السلام) فرمود: ابلیس ادامه داد اگر خداوند مرا فرمان به سجده بر این موجود کند، سربچی خواهم نمود. فرمود: سپس در او دمید.»، تفسیر قمی: ج 1 ص 41.

[859]- منظور از این گل، گل مرفوعی (بالا برده شده) است که سید احمد الحسن (علیه السلام) در کتاب متشابهات از آن یاد می کند؛ آن جا که می فرماید: «این که آدم (علیه السلام) از گل آفریده شد یعنی از این زمین، ولی صرفاً بر روی همین زمین باقی نماند بلکه به منتهی الیه آسمان دنیا بالا برده شد، یعنی به آسمان اول، یا می توان گفت تا درب آسمان دوم . . . لازم می آید این رفع شدن گل آدم، اشراق و نورانی شدن گل آن حضرت به نور و لطافت پروردگارش می باشد.»، متشابهات: ج 1 پاسخ پرسش 3 درباره ی پیامبر خدا آدم (علیه السلام).

[860]- عن أمير المؤمنين (عليه السلام): (إن النبي (ص) سئل مما خلق الله عز وجل الكلب؟ قال خلقه من بزاق إبليس، قال: وكيف ذلك يا رسول الله؟ قال: لما أهبط الله عز وجل آدم وحوا إلى الأرض اهبطهما كالفرخين المرتعشين فغدا إبليس الملعون إلى السباع وكانوا قبل آدم في الأرض، فقال لهم: إن طيرين قد وقعا من السماء لم ير الراؤون أعظم منهما تعالوا فكلوهما، فتعادت السباع معه وجعل إبليس يحثهم ويصيح بهم ويعدهم بقرب المسافة فوق من فيه من عجلة كلامه بزاق فخلق الله عز وجل من ذلك البزاق كليين أحدهما ذكر والأخر أنثى فقاما حول آدم وحوا الكلبة بجدة والكلب بالهند فلم يتركوا السباع أن يقربوهم ومن ذلك اليوم صار الكلب عدو السبع والسبع عدو الكلب) قصص الأنبياء - الجزائري: ص 57.

[861]- از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: «از پیامبر (ص) پرسیده شد که خداوند عزوجل سگ را چگونه آفرید؟ ایشان فرمود: از آب دهان ابلیس. از ایشان پرسید: چگونه ای پیامبر خدا ص؟ ایشان فرمود: همین که خداوند آدم و حوا را به زمین فرستاد، مانند دو جوجه ی لرزان بودند. پس ابلیس به سمت درندگان که پیش از آدم (علیهم السلام) بر روی زمین بودند رفت و به آنان گفت: دو پرنده از آسمان به زمین آمدند که هیچ بیننده ای بزرگ تر از آنها را ندیده است، بیایید و آنها را بخورید. درندگان همراه او آمدند و ابلیس آنها را تحریک و بر آنها فریاد می زد و به آنها وعده می داد که مقصد نزدیک است. به خاطر عجله در سخن گفتنش آب دهانش سرازیر شد. خداوند از آن آب دهان، دو سگ را آفرید؛ یکی مونث و دیگری مذکر. آن دو سگ دور آدم و حوا می گشتند، یکی در جده و دیگری در هند و اجازه نمی دادند درندگان به آنها نزدیک شوند و از آن زمان، سگ، دشمن درنده و درنده، دشمن سگ شد.»، قصص الانبیا - جزایری: ص 57.

[862]- 27 مهرماه 1384 هـ.ش. (مترجم).